



## بزه پوشی از منظر فقه اسلامی و حقوق جزای ایران

مهدی سلیمانی<sup>۱</sup>

### چکیده:

با ارتکاب جرم قاعدتاً مجرم باید در معرض تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرد. این قاعده استثنائاتی دارد از جمله این که در جرایم قابل گذشت اعمال مجازات بستگی به نظر شاکی خصوصی دارد. از جمله استثنائات مهم دیگر بحث بزه پوشی در قلمرو جرایم منافی عفت است. در این جرایم برخلاف گرایش های جدی و متعارفی که نظام های حقوقی دیگر در کشف جرم و تعقیب مجرم دارند، مخفی و نهان سازی جرم روشی است که بنا به جهاتی از قبیل مصلحت جامعه و عدم اشاعه فحشا و منکرات، قانونگذار با تبعیت از منابع فقهی و به عنوان یکی از ویژگی های سیاست جنایی اسلام به بحث بزه پوشی روی آورده است. این بحث با توجه به اهمیت آن در حفظ عفت جامعه، هم در قانون مجازات اسلامی و هم در قانون آئین دادرسی کیفری، آمده است. از دقت در این دو قانون ماهوی و شکلی، اصولی در باب بزه پوشی از جمله اصل بزه پوشی در قلمرو جرایم منافی عفت و عدم آن در مورد جرایم دیگر و غیره قابل استخراج است که این مقاله با تحلیل انتقادی به بررسی این اصول و استثناءهای آنها می پردازد. هدف اصلی پژوهش طرح موضوع بزه پوشی و جلوگیری از افشای جرم است که در مباحث اسلامی از آن به عنوان یکی از سیاست های جزایی دینی یاد شده است. هدف فرعی این پژوهش نیز نگرشی بر سیاست جزایی اسلامی از بعد سزادهی یا بازپروری است تا از منظر آن، بزه پوشی را مورد کنکاش قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** بزه پوشی، جرایم منافی عفت، اشاعه فحشاء، قانون مجازات اسلامی، قانون آئین دادرسی کیفری

<sup>۱</sup> گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

## مقدمه

اصل کلی آن است که به محض ارتکاب جرم، بایستی متهم مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرد. به عبارت دیگر هر پنج مرحله دادرسی شامل کشف جرم، تعقیب، تحقیق، محاکمه و اجرای مجازات در مورد مجرم طی شود. با این حال بنا به جهاتی از قبیل مصلحت جامعه، قانونگذار در مورد جرایم خاصی (منافی عفت) اصل بزه پوشی را ملاک قرار داده است. این اصل که از آن به عنوان یکی از اصول مهم در سیستم دادرسی کیفری و به طور اخص در مرحله رسیدگی مقدماتی یاد می‌گردد مطمح نظر قانونگذار قرار گرفته است. در همین راستا مقنن در تبصره ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، اجرای امر تحقیق در جرایم منافی عفت را ممنوع اعلام کرده بود؛<sup>۱</sup> لیکن در جهت صیانت از فضای اخلاقی جامعه و حفظ حقوق شاکی خصوصی، این ممنوعیت را در دو مورد تخصیص زده بود که این موارد عبارت بودند از «مشهود بودن بزه ارتكابی» و «وجود شاکی خصوصی» که در موارد دوم یعنی وجود شاکی خصوصی، نیز انجام تحقیق را صرفاً توسط دادگاه رسیدگی کننده (نه دادسرا) جایز دانسته بود؛ از این رو تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی (مصوب اردیبهشت ماه نود و دو)، اعمال اصل ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت و اخلاق عمومی مشروط و مقید به فقد شاکی خصوصی و مشهود نبودن بزه ارتكابی بود و در غیر این صورت چنانچه دلیلی در خصوص موضوع مطروحه ارائه نمی‌گردید، مقام تحقیق و در موارد صلاحیت دادگاه، قاضی دادگاه از انجام امر تحقیق در خصوص موضوع ممنوع بود؛ اما طرز نگارش ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، طوری بود که اصل ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت را استوارتر جلوه می‌داد، زیرا در این ماده ای ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت، بدون هیچ استثنائات مد نظر تبصره ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب رسیده بود. با این حال ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ که جایگزین تبصره ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ شده است با کمی تغییرات نسبت به سلف خود همان موضع را بیان داشته است.

در این مقاله طی چهار قسمت ابتدا به بررسی مختصر مفهوم بزه پوشی و سپس در بخش دوم به بررسی جلوه های آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و در بخش سوم به بررسی جلوه های آن در قانون آیین دادرسی

<sup>۱</sup> طبق این تبصره: «تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی باشد که در مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می‌گیرد».

کیفری ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ می پردازیم. نهایتاً در بخش چهارم به بررسی اصول حاکم بر بزه پوشی در این دو قانون ماهوی و شکلی خواهیم پرداخت.

## ۱. بزه پوشی

بزه یا جرم یکی از ارکان اصلی پدیده مجرمانه است که مورد مطالعه و بررسی در جرم‌شناسی می باشد. (رحیمی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۱۷) بزه یا جرم از نظر لغوی به معنای خطا و جور می باشد. (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰) از دیدگاه جرم‌شناسی، جرم به هر فعل یا ترک فعل زیان آور فردی یا گروهی اطلاق می شود که مخل نظم اجتماعی و مغایر با شوون انسانی باشد ولو اینکه قانون مجازات متعرض به آن نشده باشد. (کی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۸) از منظر حقوق کیفری، جرم، فعل یا ترک فعلی است، که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۹۲) نکته قابل توجه در ارتباط با دیدگاه حقوق کیفری و جرم‌شناسی در تعریف جرم این است که روش حقوق کیفری تجزیه و تحلیل عناصر تشکیل دهنده جرم و تعیین مجازات می باشد و به داعی و انگیزه ارتکاب جرم توجهی ندارد؛ ولی در نگاه جرم‌شناسی علل و انگیزه ارتکاب جرم و شخصیت بزه‌کار مورد توجه قرار می گیرد. (کی‌نیا، منبع پیشین، صص ۱۵-۱۸)

واژه «عیب-پوشی»، «ستر عیب» و یا «پرده-پوشی» و دریای بیکران آن را می-توان معادل «نظام بزه-پوشی» یا «جرم-پوشی» در ادبیات حقوقی دانست. در ادبیات عامه «ستر یا پرده پوشی همان مخفی داشتن اشتباهات و عیب‌های دیگران است». از نظر علمای اخلاق، عیب-پوشی که از بزرگترین شاخصه-های خیرخواهی است از آن تعبیر به ستر عیوب می-شود. ستر به معنای پوشاندن چیزی و عیب به معنای نقصان در ذات یا در صفتی؛ و در اصطلاح، عیب-پوشی، «پرده بر بدی-های مردم افکندن» (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۹). است.

کشف و آشکار شدن جرم آثار سوء زیادی را متوجه جامعه می کند. با گسترش اخبار مربوط به ارتکاب جرم حساسیت عمومی نسبت به آن کم شده و ارتکاب آن عادی جلوه خواهد کرد. این حالت یعنی کاهش زشتی جرم، وحشتناک ترین پدیده ای است که می تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی کند. (صادقی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۷) خداوند متعال در این خصوص می فرماید: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الآخرة والله یعلم و انتم لا تعلمون». (سوره نور، آیه ۱۹) یعنی کسانی که دوست دارند کار زشت در میان مومنان شایع شود، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و این را خدا می داند و شما نمی دانید. بر این اساس، نهان سازی جرم و جلوگیری از افشای زشتی ها مورد تاکید آموزه های دینی است.

جلوه این مباحث دینی و اخلاقی را در حوزه قوانین کیفری ماهوی و شکلی می توان در بحث «بزه پوشی» جستجو کرد. در بزه پوشی هم مقامات قضایی مکلف به عدم تحقیق در خصوص کشف بزه هستند (ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری)، هم خود مجرم ترغیب به عدم اقرار به بزه (تبصره ۱ ماده مذکور) می گردد و هم شهود تشویق و راهنمایی به عدم شهادت می گردند (تبصره ۲ ماده مذکور). با در نظر داشتن این دو ماده می توان بزه پوشی را روشی شکلی در قانون آیین دادرسی کیفری دانست که به موجب آن مقامات قضایی از تحقیق در خصوص کشف جرم و تعقیب آن منع شده و مجرم و شهود نیز به ترتیب تشویق به عدم قرار و گواهی به ارتکاب آن می گردند.

البته باید خاطر نشان نمود که در جوامع باستانی و اولیه علل پدیده‌ها را نمی شناختند و در نظر آنان پدیده‌ها ناشی از قوای عالی بودند و هر واقعه ناگوار را مستند به قدرتی شوم و اهریمنی می دانستند. در آن زمان بزه و جرم به ماورای گروه کوچک و خانواده و قبیله گسترش نمی یافت. قتل یک بیگانه هیچ واکنشی را در گروهی که مجرم به آن تعلق دارد ایجاد نمی کرد؛ بلکه اغلب به منزله فتحی بزرگ تلقی می شد. در داخل گروه اعمالی که عمیقاً وجدان جمعی را جریحه دار می کند تا حدی متنوع بوده و برخوردها نوعاً نسبی بودند و نسبت به یک عمل برخوردهای مشابهی وجود نداشت؛ به طور مثال نقض بعضی از تابوها (محرمات مذهبی) در درجه اول اهمیت قرار دارند، در مقابل اهمیت چندانی به زنا، محصنه، همجنس‌بازی و فحشا نمی دادند. (گسن، ۱۳۸۵، ص ۲۶) نباید این چنین مسائل را در حیطه‌ی بزه پوشی دانست،

و در مورد قلمرو بزه پوشی باید اذعان کرد که نمی توان برای این نهاد قلمروی وسیع قایل بود. به تعبیر برخی از حقوق دانان «سیاست بزه پوشی فقط در باره بزهکاران اتفاقی قابل اعمال بوده معروفین به شرارت و مجرمین حرفه ایی را شامل نمی گردد. بعلاوه در مواردی که نهان سازی جرم مستلزم تزیین مصالح اهم و تفویت حقوق بزه دیده‌گان و انحراف از مسیر درست اداره جامعه و مانند آن باشد، مخفی کردن زشتی‌ها و جرایم جایز نبوده ماموران رسمی موظف به کشف جرم و مجازات بزهکاران شده اند» (همان، ص ۱۸۸). مقنن نیز در دو قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری محدوده بزه پوشی را صرفاً در قلمرو جرایم منافی عفت قرار داده است و البته در همین قلمرو هم استثنائاتی را در نظر گرفته است. در ادامه در مورد این دو قانون صحبت خواهیم کرد. پیش از آن تذکر این نکته لازم است که هدف بزه پوشی، حمایت از بزهکار و عدم مجازات او نیست، بلکه هدف بزه پوشی جلوگیری از ترویج فحشاء است. توضیح این که با افشای امور زشت و فحشاء، آن هم به صورت مکرر و هر روزه، از قباحت عمل کاسته شده و افراد مستعد به طرف ارتکاب آن کشیده می شوند و در

نتیجه به مرور باعث عادی شدن جرم می شود و این عادی شدن جرم یعنی رواج فساد در جامعه چه از سوی دیگر شهروندان و چه از جانب بزهکار و منجر به افول انسانیت و تباهی آن جامعه می گردد. پس، بزه مخفی می - شود تا آثار شوم رواج آن، گریبان گیر جامعه نشود. (مظلومان، ۱۳۷۰، ص ۱۱۰)

## ۲- بزه پوشی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

طرح بزه پوشی در قوانین ماهوی و کیفری هر کشوری ریشه در تعریف آن از جرم و شناسایی آن دارد، از دیدگاه جرم شناسی، جرم به هر فعل یا ترک فعل زیان آور فردی یا گروهی اطلاق می شود که مخل نظم اجتماعی و مغایر با شئون انسانی باشد و لو اینکه قانون مجازات متعرض به آن نشده باشد. از منظر حقوق کیفری، جرم، فعل یا ترک فعلی است، که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. (ماده ۲۹۵ مجازات اسلامی) نکته قابل توجه در ارتباط با دیدگاه حقوق کیفری و جرم شناسی در تعریف جرم این است که روش حقوق کیفری تجزیه و تحلیل عناصر تشکیل دهنده جرم و تعیین مجازات می باشد و به داعی و انگیزه ارتکاب جرم توجهی ندارد؛ ولی در نگاه جرم شناسی علل و انگیزه ارتکاب جرم و شخصیت بزهکار مورد توجه قرار می گیرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴، ص ۲۵) نکته ی مهمی که باید مورد توجه قرار داد آن است که بزه پوشی بر مبنای رویکرد و شناخت کیفری از جرم پدیدار می شود ولی رویکردهای جرم شناختی نیز بر آن تاثیر گذار می باشند و به طور کلی در نظام کیفری عدالت گرا و مجرم مدار است که به این پدیده توجه می گردد.

در تعریف حقوقی (رسمی) سه از جرم آمده است که: هر چیزی را که دولت، جرم تشخیص بدهد، همان، جرم می باشد. این بدان معنا است که اگر عملی در قانون جزا، تحت عنوان جرم نوشته شده باشد، پس همان عمل، یک عمل مجرمانه به شمار می رود (وایت و هینس، ۱۳۸۶: ۲۰)

در برداشت مبتنی بر «آسیب اجتماعی»، جرم هم شامل جرایم جزایی می شود، مانند تجاوز یا سوء قصد و هم جرایم مدنی را دربر می گیرد؛ مانند غفلت یا بی احتیاطی. این بدان معناست که هر فعلی یا ترک فعلی به همراه خود آسیب ها یا خسارت هایی را به دنبال دارد. بنابراین هر کدام از آنها باید به شیوه خاصی مجازات شوند (وایت و هینس، همان، ۲۱)

عده ای از حقوق دانان معتقدند که نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد جرم نامیده می شود (علی آبادی، ۱۳۸۶، ۴۸)

برخی دیگر، هر فعل یا ترک فعلی را که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازات تعیین کرده باشد، جرم می‌دانند (دانش، ۱۳۷۶، ۴۳)

در حقوق جزای عرفی غالباً بر تعریف زیر که برای جرم آمده است، تکیه می‌شود:

جرم، عبارت است از عملی که قانون، آن را قدهن کرده، یا ترک عملی که قانون آن را لازم دانسته و بر آن « عمل یا ترک، کیفری مقرر داشته است» (فیض، ۱۳۷۰، ۲۵)

جرم، از نظر قانونگذار، به عنوان یک مفهوم انسانی و قضایی، در قالب قوانین کیفری مشخص می‌شود و ارتکاب آن، به صورت فعل یا ترک فعل با ضمانت اجرایی متناسب، ممنوع اعلام می‌شود (ولیدی، ۱۳۷۴: ۲۸).

هر چند قانون مجازات اسلامی از قوانین ماهوی است و نباید امور شکلی از قبیل ادله اثبات دعوی و نیز مقررات حاکم بر بزه پوشی که آن هم از امور شکلی است در آن مطرح شود اما چند ماده ناظر به بحث بزه پوشی را می‌توان در این قانون ملاحظه کرد. البته برخی از این مواد که سخت‌گیری نسبت به شرایط مسئولیت کیفری دارند، ماهوی محسوب می‌شوند مانند ماده ۲۱۷ این قانون که به موجب آن: «در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد». آگاهی نسبت به حرمت شرعی رفتار ارتكابی از سخت‌گیری‌هایی است که مقنن نسبت به جرایم مستوجب حد قایل شده و از این حیث سخت‌گیری نسبت به اثبات آن روا داشته است، که به صراحت می‌توان بیان داشت که این سخت‌گیری ریشه در بحث بزه‌پوشی دارد و مقنن با گنجانیدن چنین شرطی در مقررات حاضر سعی در وارد نمودن بحث بزه‌پوشی در این مقررات دارد. البته این مقرر در مورد جرایم حدی قابلیت اعمال داشته و در جرایم دیگر (مستوجب قصاص و تعزیرات) طبق تصریح صدر ماده ۱۵۵ همین قانون جهل به حکم اصولاً رافع مسئولیت کیفری و مانع مجازات نیست. ماه ۲۱۸ این قانون نیز مکمل این ماده است. طبق این ماده: «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعاء کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود» در این ماده ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری در زمان ارتکاب جرایم حدی یکی از موجبات بزه‌پوشی دانسته شده است البته در صورتی که در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافعی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال نباشد چرا که در این جرایم صرف ادعاء، مسقط حد نیست و دادگاه

موظف به بررسی و تحقیق است؛ از سویی دیگر این تنها ماده ماهوی است که به نوعی بزه پوشی در تمامی جرایم مستوجب حد از آن استنباط می شود. از این ماده که بگذریم اولین ماده شکلی در خصوص بزه پوشی، که به صورت خلاف قاعده در قانون مجازات اسلامی (ماهوی) ذکر شده و ناظر به بحث بزه پوشی است، ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. طبق این ماده: «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم به جز در موارد احتمال ارتکاب با عفت، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عفت است هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است». (توجهی، توکل پور، ۱۳۹۰، صص ۱۰۱-۱۰۳)

اولین نکته ای که در خصوص این ماده قابل ذکر است این که از آنجا که این ماده یک بحث شکلی را مطرح می کند، جای آن در قانون آیین دادرسی کیفری و نه قانون مجازات اسلامی است. بدین ترتیب حسب مقررات قانون اخیرالتصویب؛ حتی بر فرض وجود شاکی خصوصی در جرائم منافی عفت، به صرف انکار متهم و نبود ادله اثباتی، انجام هرگونه تحقیق یا بازجویی جهت کشف و اثبات چنین جرایمی ممنوع شناخته شده و فاقد وجهت قانونی است. با این حال تفسیر منطقی ماده مرقوم حکایت از آن دارد که اصل ممنوعیت تحقیق، در آن دسته از جرایم منافی عفت قابل اعمال است که بصورت پنهان و مستور صورت گرفته باشد؛ زیرا اعمال این ممنوعیت به لحاظ جلوگیری از کشف امور مستور و پنهان است نه اموری که در مرئی و منظر عموم صورت گرفته و فاقد خصیصه استتار است؛ از این رو چنانچه جرم ارتكابی مشهود و به تعبیر بند ۱ ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۷۸ در مرئی و منظر ضابطین دادگستری ارتکاب یافته باشد، اصل ممنوعیت تحقیق در جرایم منافی عفت مرعی نبوده و مقام قضایی رأساً بدون ارجاع به ضابطین باید تحقیقات لازم را در این خصوص معمول دارد. (گلدوزیان ۱۳۹۶، ص ۷۴) در این ماده در نگاه اول نقض غرض به نظر می رسد. چرا که در حالی که این ماده ظاهراً در مقام برداشتن گامی در جهت منع تجسس در امور حیثیتی مردم برابر مسلمات شرع مقدس اسلام است، در را بسوی هرگونه تحقیق و بازجویی در این امور مفتوح می دارد. آنجا که گفته شده است "هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است."

تبصره ماده ۴۳ قانون دادرسی کیفری ایران سابق مقرر می داشت که:

تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می شود.

قانونگذار ایران در متن ماده ۴۳ این قانون، دایر بر اختیار دادرس بر خواستار شدن انجام تحقیقات از مامورین انتظامی برای کشف جرم، "موارد منافی عفت" را از شمول آن استثناء کرده است. این ماده با این عبارت آغاز شده و ادامه می یابد: "در غیر از موارد منافی عفت، دادرسان و قضات تحقیق می توانند اجرای تفتیش یا... به ضابطین ارجاع کنند...". تحقیقات در موارد منافی عفت برابر تبصره آن ماده باید منحصرأ توسط قاضی دادگاه انجام شود.

ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت در قانون ایران جز در موارد مشهود بودن یا به عبارت دیگر هنگامی که جریحه دار شدن عفت عمومی مطرح است، یا شاکی خصوصی وجود دارد، مبتنی بر احکام مسلم الصدور اسلامی دایر بر منع تجسس در زندگی اشخاص و هتک حیثیت از مردم است. اینگونه موارد در شمار بزه هائی چون سرقت و آدم ربائی و قتل و نظایر آن نیست که مصلحت جامعه و امنیت مردم اقتضای تحقیق مجدانه برای کشف عمل و مجازات مجرم داشته باشد. در این امور بر عکس تاکید بر عدم تجسس و تر جیح کتم بر کشف شده است.

بنحوی که گفته شد پیش شرط یا مقدمه واجب برای شروع رسیدگی به جرائم این ماده، بنا به حکم تبصره ماده ۴۳ قانون دادرسی کیفری ایران، چون تمامی موارد دیگر منافی عفت، مستلزم احراز یکی از دو شرط است. یکی شکایت شاکی خصوصی، و دیگری مشهود بودن جرم. تبصره مذکور بر تمامی نصوص قانونی ناظر بر جرائم منافی عفت حکومت دارد.

شرط مشهود بودن جرم برای شروع رسیدگی به "جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی" در عنوان آن هم نهفته است. بنابراین چنانچه دو یا چند نفر هر کاری در خفا انجام دهند هر چند از نظر ضوابط عفاپی و اخلاقی از نظر عموم مقبول نباشد، لیکن ضدیتی با عفت و اخلاق عمومی ندارد. در نتیجه آنچه مراد از جرائم مستنبط از این عنوان این فصل است، که در ماده ۲۱۰ قانون مجازات قبل از انقلاب به "جریحه دار" کردن عفت عمومی موسوم بود، حاصل نمی شود. در این روابط دور از انظار عمومی تنها مسئله عفاف و اخلاق خصوصی دست اندر کاران این امور مطرح است.

جرم مشهود، که از موجبات شروح تحقیقات است در این باب است در بند "ج" ماده ۶۵ قانون آئین دادرسی کیفری تعریف شده است. این بند در وصف جرم مشهود، آن را مشروط بدین شرط می نماید: "در صورتی که



قاضی ناظر وقوع آن باشد." همین معنا در بند ۳، ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳ هم تکرار شده است.

از آنجا که ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری مامورین انتظامی را از مداخله در امور منافی عفت منع کرده است، و حتی دادرس حق دادن هیچگونه تعلیمی را در این خصوص بدانها ندارد، اینگونه جرائم حسب قاعده تخصص از شمول جرائم مشهودی که این مامورین، حسب ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری، صالح به مداخله هستند، خارج می شود. بدین روی مامورین انتظامی به هیچ وجه حتی در جرائم منافی عفت مشهود، که بسیار بعید است و النادر کالمعدوم، نیز مجاز به عمل برابر ماده ۱۸ قانون آئین دادرسی نیستند. در این موارد، که وقوع آنها چون فرض محال است، کافی است که مامورین انتظامی آن چنان که در خصوص سایر اعمال مخل نظم عمومی است و در عین حال جرم نیست مانند از دحام در معبر عمومی، ایجاد سرو صدای زیاد توسط یک عده به تذکر اکتفاء نمایند. "جرائم منافی عفت" را، علیرغم وجه اشتراک کلمه جرم، نباید به مثابه بزه های قتل و جعل و آدم ربایی و امثالهم تلقی نمود.

از این جهت در صورتی که مامورین انتظامی افرادی را به اتهام ارتکاب جرم منافی عفت نزد دادرس بیاورند، بر او فرض است که متهمان را، بعلت خلاف قانون بودن مداخله آنان در جرائم منافی عفت و فقد پیش شرط قانونی لازم برای رسیدگی به جرم، غیر قابل استماع اعلام نموده قرار منع پیگرد متهمان را صادر نماید. و از آنجا که این فرض که قاضی شخصاً ناظر عمل منافی عفت باشد، بسیار نادر و در حکم معدوم است، این سخن گراف نیست که احکام مجازات اعمال منافی عفت در اسلام، جز موارد بسیار استثنائی که خود مُثَبِت اصل است، چون شمشیر داماکلوس جنبه تحذیری دارد تا اجرایی.

ورای این مطلب، ما با مفهوم مخالف آن قسمت از مخصص استثناء ماده ۲۴۱ قانون مجازات هم سخنی نداریم که می گوید: "در موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است" هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار" مجاز هست نیزسخنی نداریم. بلکه آن را از این لحاظ که رسیدگی به اعمال منافی عفت به عنف را هم، بر خلاف اطلاق تبصره ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری مشروط به علنی بودن آن نمی داند واجد ارزش افزوده می دانیم. هرچند این اشکال در حال حاضر در قانون مجازات عمومی وجود دارد که برای اعمال منافی عفت به عنف غیر ار زنا دور از انظار عمومی نص قانونی وجود نداشته و ندارد، چرا که ماده ۶۳۷ قانون مجازات قبلی هم

تحت عنوان "جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی" آمده بود و بدین مناسبت در برگیرنده مواردی که این عمل در خفا انجام می شود نبود. این نکته اکنون مورد بحث ما نیست.

اشکال ما متوجه صدر ماده ۲۴۱ مورد بحث، یعنی مخصص متصل شرط "در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم" است. این شرط از این جهت در بادی امر نقض غرض بنظر می رسد، که در تبادر اولیه بر خلاف آنچه در حقوق اسلام منع شده است، رسیدگی به هر گونه اعلامی را، ولو اینکه شاکی خصوصی در بین نباشد، مجاز می دارد.

احراز بود یا نبود "ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم" خود مستلزم "تحقیق و باز جوئی" و در نتیجه پرداختن به امور پنهان و مستور از انظار "است، که برابر این ماده قرار است ممنوع باشد. بعنوان مثال هنگامی که گفته می شود که "باز کردن در این جعبه ها، جز آنهایی که محتوی اسناد هستند ممنوع است"، تا هنگامی که در جعبه باز نشود معلوم نخواهد شد محتویات آن چیست.

این عبارت شرطیه "در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم" در صورتی منطبق با نص و روح منابع معتبر اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری سازگار است که تنها ناظر به موردی بشرح آتی که در روایات مربوط به رویه قضایی مربوط به پیامبر و حضرت علی (ع) آمده است تلقی شود. آن مورد اینکه شخص مجرم، بر فرض زانیه، خود داوطلبانه نزد قاضی صالح، نه مامورین انتظامی که مجاز به مداخله در این امور نیستند، به ارتکاب زنا اقرار نماید. آنگاه، آنچنان که سیره این بزرگواران بوده است، دادرس پرسش های بیشتری برای القاء انصراف از تکرار اقرار به دفعاتی که مثبت عمل محسوب است از او بکند، یا تحقیقات بیشتری تنها در جهت احراز سلامت دماغی مقرر و ایجاد شک و شبهه نسبت به اعتبار اقرار وی بعمل آورد تا مجرای قاعده دراء (تدرأ الحدود بالشبهات) و رهائی از عقوبت فراهم شود. (خوانساری، ۱۳۹۴، ص ۱۵)

### ۳- بزه پوشی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۴

در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحی خرداد ماه ۱۳۹۴ بر خلاف همه ی قوانین پیش گفته در تبصره ی ماده ۱۰۲ این قانون بزه پوشی به صراحت مورد تاکید قرار گرفته است در این ماده بیان داشته شده که :

«انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می شود.

تبصره ۱- در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار میکند.

تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

تبصره ۳- در جرائم مذکور در این ماده، اگر بزه دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.»

همانگونه که در این ماده مشخص و مبرهن است در جرایم منافی عفت قانونگذار در اقدامی بدیع اصل را بر ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت گذارده است و موارد مرئی بودن جرم، دارای شاکی خصوصی بودن و سازمان یافته بودن را از این اصل مستثنی دانسته است؛ به طور کلی و قاعده عام آن است که دعوای عمومی متعلق به جامعه است و دادستان یا هر نهاد دیگر به نمایندگی از جامعه به تعقیب متهم و به جریان انداختن دعوای عمومی اقدام می کند و به این علت دادسرا مجاز نیست که جز در موارد پیش بینی شده در قانون، از تعقیب متهم امتناع یا با وی مصالحه کند و یا از اعتراض به حکمی که در آن منافع جامعه رعایت نشده باشد خودداری نماید. برعکس دعوای خصوصی کاملاً متعلق به متضرر از جرم است؛ یعنی وی یا وارث و قائم مقام قانونی وی می توانند از همان ابتدا از طرح دعوای خصوصی صرف نظر کنند و یا در صورت اقامه دعوای خصوصی در هر یک از مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی، دعوای خود را مسترد و یا با متهم، صلح و سازش کنند و یا دعوای خود را به شخص ثالثی واگذارند. (آشوری، ۱۳۹۲، ص ۹۶) لذا خارج دانستن موارد خاصی که جرم شاکی خصوصی دارد از حیطه بزه پوشی امری طبیعی می باشد که حتی اگر قانونگذار بیان نمی نمود نیز باید رعایت می گردید.

در اقدام جالب توجه دیگر مقنن در شرایطی که شاکی وجود نداشته باشد و هم‌چنین متهم بخواهد اقرار نماید «وظیفه‌ی تذکر قاضی» بر بزه‌پوشی را مقرر نموده که این امر نیز مقررهای قابل توجهی در ترویج و اعمال بزه-پوشی است که با مبانی فقهی نیز سازگاری دارد. ولی موردی که مورد اغفال قانونگذار قرار گرفته و لازم می‌بود با توجه به مبانی بزه‌پوشی در این خصوص هم موضع شفاف قانونگذار مشخص می‌شد، در خصوص امکان اثبات چنین جرایمی با سایر ادله اثباتی همچون شهادت شهود می‌باشد که مشخص نشده که مثلاً "چنانچه شهودی بدون آن که شاکی خصوصی وجود داشته و یا اقراری بدو" به تعبیر قانونگذار در این خصوص باشد آیا باز قاضی به شهود امر توصیه به پوشاندن بزه و عدم شهادت در این خصوص می‌نماید؟ یا بر اساس شهادت افراد مبادرت به تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت می‌نماید که پذیرش این امر واجازه تعقیب در عمل منافی با مبانی بزه‌پوشی و نوعی نقض غرض می‌باشد.

از سویی دیگر منع تعقیب در جرائم منافی عفت که در نمود بزه‌پوشی تحقق می‌یابد، در تبصره ذیل ماده ۴۴ قانون قبلی نیز محل توجه قانونگذار بوده است. باین وجود، در قانون جدید، ترتیب دیگر و جامع‌تری در این باره مقرر شده است. برابر ماده ۱۰۲ این قانون؛ "انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود." (<http://www.khabaronline.ir>)

محدودیت و ممنوعیت فوق، گرچه به منظور بزه‌پوشی، حفظ نظم عمومی، رعایت شان و حیثیت و حریم خصوصی و شرعی افراد و پرهیز از هرگونه افترای احتمالی به متهم و جلوگیری از گسترش فساد با استفاده از ارتکاب سازمان یافته این جرایم می‌باشد، ولی اساساً، این سؤال مطرح است؛ در صورت ممنوعیت هرگونه تعقیب و تحقیق در این باره، چگونه مراتب قابل پیگیری بوده و بدون هرگونه تحقیق یا پرسشی، چگونه این موضوع قابل احراز خواهد بود و با توجه به ممنوعیت بازپرس و دادستان و تجویز تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه، صلاحیت و تکلیف دادستان یا بازپرس در این باره چیست و قبل از صدور هرگونه قرار مجرمیت یا کیفرخواست، پرونده چگونه قابلیت ارسال برای دادگاه را خواهد داشت؟ و نیز وضعیت رسیدگی به جرائم مزبور در موارد غیرمشهود مطروحه چگونه می‌باشد؟ ماده مزبور در این باره، فاقد صراحت و هرگونه تجویزی بوده و شایسته تدقیق و تکمیل می‌باشد.

#### ۴. اصول حاکم بر بزه پوشی در قوانین ماهوی و شکلی

با بررسی و تحلیل مواد مذکور در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری می توان اصول حاکم بر بزه پوشی در این دو قانون مهم کشور را به شرح ذیل استخراج کرد:

الف- پذیرش بزه پوشی به عنوان اصل

فارغ از ماده‌ی ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است؛ در ماده‌ی ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی خرداد ماه ۱۳۹۴، علاوه آن که در تبصره ماده صراحتاً از آن نام برده شده است، از متن ماده و آنجا که بیان می‌دارد تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است میرهن است که قانونگذار ممنوعیت تحقیق و تعقیب در این جرایم و بزه پوشی در آن را به عنوان یک اصل پذیرفته است که این امر یک موضوع بدیعی می‌باشد و نوآوری قانونگذار در این زمینه محسوب می‌گردد.

ب- پذیرش اصل بزه پوشی در قلمرو جرائم منافی عفت و عدم پذیرش آن در سایر جرایم

در سیستم قضایی ایران تنها محلی که بزه پوشی جاری می‌گردد همان جرایم منافی عفت می‌باشد که در اصلاحات ماده‌ی ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً مورد تصریح قرار گرفته است و قانونگذار در غیر این مورد نظام بزه پوشی و اعمال آن را مجاز نمی‌داند.

ج- استثناهای بزه پوشی در جرایم منافی عفت (تجاوز به عنف و وجود شاکی خصوصی و ..)

که این استثنائات در زیر مجموعه این بحث صراحتاً خواهد آمد.

اصل بدیعی آن است که در مواجهه با واقعه مجرمانه می‌بایست مراتب بزه پوشی مرعی باشد مگر مصلحتی برتر، نیاز عدول از اصل را ایجاب دارد؛ نظیر مصلحت حفاظت از امنیت و اموال عمومی و همچنین مصلحت متهم. اما به طور عام و بعد از وقوع پدیده مجرمانه، از آنجا که هدف اصلی نظام بزه پوشی نهان ماندن و جلوگیری از افشا و اشاعه جرائم در سطح اجتماع می‌باشد، دو مورد از شمول جامع نظام بزه پوشی در سیاست جنایی ایران استثناء شده، مشمول برنامه‌های نظام تعقیب و کیفر می‌شود و در این موارد به تدابیر کنترل آثار منفی نظام مجرا بسنده خواهد شد؛ این دو عبارتند از:

#### ۴-۱. جرائم آشکار

عمده تلاش نظام بزه‌پوشی برای این است که پدیده مجرمانه در سطح اجتماع ظاهر نگردد؛ با آشکار شدن جرم، چه در جرائم مشهود و چه هر جا که جامعه به نوعی از آن مطلع می‌گردد، تلاش در مخفی داشتن جرم و خرج بی‌مورد از حساب نظام بزه‌پوشی، بیم تجرّی متجاهرین به جرم، همچنین مجرمین بالقوه را می‌پروراند، شهروندان را از عدالت مأیوس و دوره انتقام شخصی را احیاء می‌سازد. فلذا غیر مسلمان با وجود اینکه از شرب خمر منع نشده، به لحاظ تظاهر به استعمال مسکرات و تداعی جرم، تعزیر می‌گردد. (کلینی، ۱۴۰۱، ص ۳۰۷)

نکته مهم و قابل توجه آن است که در اینجا نیز می‌بایست محدوده انتشار رعایت گردد؛ اگر یک محله بر اثر افشاء جرم مسموم شده نمی‌توان برای درمان آن، شهری را سم‌پاشی نمود که «ان الله سبحانه و تعالی» جعل لكل شیء حدّاً و جعل علی کلّ من تعدّی حدّاً من حدود الله عزّوجلّ حدّاً»؛ (کلینی، ج ۱، ص ۵۹، ح ۲) این رعایت محدوده انتشار با تدابیر نظام بزه‌پوشی معمول می‌گردد.

#### ۴-۲. شکایت شاکی خصوصی: (حمایت از حقوق دیگران)

«دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». این امر مستلزم آن است که مراتب نظام بزه‌پوشی رعایت نگردد و جرم تا حدی عیان شود. در اینجا نیز نظام عدالت کیفری موظف بر احقاق حقوق خصوصی و عمومی شهروندان می‌باشد؛ لیکن باید دانست که «اصل، براءت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». <sup>۱</sup> پس، «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». فلذا نظام بزه‌پوشی با تمام توان از حقوق آحاد شهروندان پشتیبانی نموده و با بکارگیری ابزارها و تدابیر ویژه خود، ضمن منظور داشتن خسارات شهروندان، بر امر بزه‌پوشی اقدام خواهد نمود؛ باید در یاد داشت که دستور این است که «فاستر العورة ما استطعت». <sup>۲</sup> که مروی است در «یوم تبلی السرائر»، «رسول خدا (صلی

<sup>۱</sup> قانون اساسی ایران، اصل ۳۷

<sup>۲</sup> همان قانون، اصل ۲۰

<sup>۳</sup> امیر مؤمنان در عهدنامه مالک اشتر به این حق مردم نیز تأکید فرموده است: «ولیکنا بعد رعیتک منک و اشنوهم عندک اطلبهم لمعایب الناس، فان فی الناس عیوباً، الوالی احقّ من سترها، فلا تکشفنّ عما غاب عنک منها فانما علیک تطهیر ما ظهر لک و الله یحکم علی غاب عنک فاستر العورة ما استطعت؛ دورترین و زننده ترین افراد در نزد تو باید کسانی باشند که بیشتر در جستجوی عیوب مردم اند. در همه مردم کاستیهایی است که زمامدار شایسته ترین فرد در پوشاندن و مخفی کردن آن است. هرگز مباد که از عیبی که بر تو پنهان است پرده برگیری که مسؤولیت تو پاکسازی زشتیهای نمایان است. خداوند در

الله علیه و آله) از خدای سبحان درخواست می کند که امت او را در حضور فرشتگان و پیامبران و دیگر امتان محاسبه نکند تا عیب های آنها بر ایشان ظاهر نگردد بلکه طوری آنها را محاسبه کند که بجز خدای سبحان و پیغمبر او دیگری بر گناهانشان آگاه نشود، و خطاب الهی رسد که: ای حبیب من به بندگان خود از تو مهربانترم، چون تو روا نداری که عیوب ایشان نزد غیر تو آشکار شود من روا ندارم که بر تو نیز ظاهر گردد؛ من خود به تنهایی آنان را محاسبه می کنم چنانکه جز من کسی بر لغزش هایشان آگاه نشود». (عاملی، ۱۴۱۰، ص ۲۶۸)

#### ۴-۳. سازمان یافته بودن

از دیگر ویژگی هایی که جرایم منافی عفت را از حیطه ی بزه پوشی خارج می نماید و در واقع اگر متصف به این وصف باشد از مزایای نظام بزه پوشی بهره مند نخواهد گردید، موضوع سازمان یافته بودن است؛ که در اصلاحات خرداد ماه ۱۳۹۴ مورد توجه قرار گرفته است.

در واقع سازمان یافته بودن به این معنی خواهد بود که فعالیتهای غیرقانونی و هماهنگی گروهی منسجم از اشخاص باتبانی همدیگر و برای تحصیل منافع مادی و قدرت، به ارتکاب مستمر مجرمانه شدید بصورت گیرد و برای رسیدن به هدف از هر نوع ابزار مجرمانه نیز استفاده کنند. (شمس ناتری، ۱۳۸۳، ص ۲۵)

که البته برای سازمان یافته بودن این جرایم ویژگی هایی وجود دارند که باید مطمح نظر قرار بگیرند: (همان، ص ۲۹)

۱. ساختار سازمانی: سازمان های بزهکار دارای نوعی ساختار سازمانی و عمدتاً ساختار هرمی شکل هستند.

۲. استمرار زمانی: یعنی فعالیت های آنها مقطعی نیست و به صورت مستمری ادامه دارد.

۳. قدرت مرکزی: که مدیریت واحد و منسجمی را بر کل سازمان و اعضای آن اعمال می کند.

۴. سلسله مراتب تشکیلاتی، ساختار هرمی شکل علاوه بر اینکه وجود یک قدرت مرکزی را ضروری می سازد به نوعی سلسله مراتب تشکیلاتی در سطوح پایین نیز خواهد بود.

---

مورد آنچه از چشم تو پنهان است حکم می کند پس تو هر چه می توانی زشتی های افراد را پنهان دار. « نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران، علامه، ۱۳۷۹،

۵. محدودیت اعضا: حفظ و تداوم ساختار سازمانی مستلزم وجود نوعی قواعد الزام آور است که همه‌ی اعضا ناگزیر به رعایت آن می‌باشند.

۶. قواعد الزام آور: حفظ و تداوم ساختار سازمانی مستلزم وجود نوعی قواعد الزام آور است که همه‌ی اعضا ناگزیر به رعایت آن می‌باشند.

۷. تقسیم کار: ماهیت جرائمی که توسط اینگونه سازمان‌ها ارتکاب می‌یابند به گونه‌ای است که یک نفر به تنهایی نمی‌تواند رکن مادی آن را انجام دهد، لذا علاوه بر اینکه که حضور چند نفر در کنار هم دیگر ضروری است هر کدام از آنها نیز باید عهده‌دار عمل خاصی باشند و در نتیجه هر سازمان بزه‌کار دارای یک تقسیم کار ویژه میان اعضای خود خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

در بحث سیاست جنایی ایران نیز نسبت به مبحث بزه پوشی باید بیان داشت که سیاست جنایی ایران با تاسی از فقه امامیه بحث بزه پوشی را در مقررهای خود مقرر داشته است. از منظر گونه‌شناسی می‌توان بیان داشت که سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم منافی عفت بر مبنای بزه پوشی بنا نهاده شده است و اگر جرایم منافی عفت با عنف ارتکاب نیافته باشد و یا به نوعی آشکارا و سازمان یافته نبوده و دارای شاکی خصوصی نباشد، قانونگذار تمایل به بزه پوشی و عدم تحقیق در مورد آن دارد و این رویه در مراحل به رسیدگی اختصاری نیز تعبیر گردیده است. در بحث تقنین سیاست جنایی ایران در تبصره ۱ ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در جرایم منافی عفت تحقیق را ممنوع داشته است مگر در موردی که جرم مشهور باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده باشد که این رویه به نوعی در ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه بوده و در همین ماده نیز بزه پوشی در مرحله‌ی تحقیق مورد تاکید قرار گرفته است که وجود چنین مقرره‌های نشانگر میل قانون‌گذار به بحث بزه پوشی می‌باشد ولی نکته اوج توجه سیاست جنایی ایران در این مورد را می‌توان در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ یافت که در تبصره ۱ این ماده لفظ بزه پوشی به کار گرفته شده و قاضی را در صورتی که متهم بدو " قصد اقرار داشته توصیه به بزه پوشی می‌نماید و تاکید بر این سیاست بزه پوشی تا آن درجه از اهمیت قرار دارد که در جرایم منافی عفت، موجب گردیده تا متهم از ناحیه قاضی ترغیب و توصیه به عدم اقرار شود، هر چند تکلیف گواهی گواهان احتمالی در راستای مبانی بزه پوشی و مشارکت گواهان در این خصوص (با ترک اقامه شهادت) همچنان از ناحیه قانونگذار مغفول مانده



است و از طرفی قانونگذار انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا، لواط و سایر جرایم منافی عفت را جهت کشف امور پنهان و مخفی از دید عموم را ممنوع دانسته است و بیان گردیده که در این مورد تفحص از هیچ فردی در این مورد مجاز نیست مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام باشد یا دارای شاکی خصوصی باشد یا ارتکاب جرایم منافی عفت به عنف یا در حکم آن، اکراه، آزار یا اغفال یا سازمان یافته باشد که در این صورت تحقیق جایز دانسته شده است، ولی در این صورت نیز که خلاف اصل بزه پوشی است تحقیق فقط در محدوده شکایت و اوضاع و احوال موجود و مشهود قضیه و تنها توسط قاضی دادگاه انجام خواهد گردید. که در واقع این استثناء نیز منطقی به نظر می رسد چرا که در علن انجام شدن چنین فعلی مصداق بارز قاعده ی اقدام است و هر فردی که علیه خود اقدام کند شایسته ی احترام نخواهد بود و از سوی دیگر در بحث شاکی خصوصی نیز قانونگذار نمی تواند در راستای اعمال مقرره ی خود حق کسی را زائل سازد. البته باید خاطر نشان ساخت که مصلحت جامعه و عدم اشاعه فحشا و منکرات و نیز جلوگیری از ریخته شدن قبح عمل در دید عموم مردم با محاکمه و مجازات جرایم منافی عفت، نیز مزید بر علت شده است که قانونگذار به تاسی از فقه، در باب بزه پوشی به عنوان اصل با تسامح برخورد کرده و موارد استثنا را محدود نماید.

## فهرست منابع

### الف) فارسی:

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۸۷) آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت، چ ۱۳، جلد اول.
- ۲- رحیمی نژاد، اسمعیل، (۱۳۸۸). جرم‌شناسی. چاپ اول، تهران: انتشارات فروزش.
- ۳- دانش، تاج زمان. (۱۳۸۱). مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ چاپ نهم، تهران: مؤسسه کیهان.
- ۴- علی آبادی، عبدالحسین. (۱۳۶۸). حقوق جنایی. تهران: انتشارات فردوسی.
- ۵- فیض، علیرضا. (۱۳۷۰). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۶)، مبانی جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، جلد اول.
- ۷- گسن، ریموند (۱۳۸۵)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم.
- ۸- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶) بایسته‌های جزای عمومی، دانشگاه تهران، نشر میزان.
- ۹- مظلومان، رضا (۱۳۷۰) جرم‌شناسی (کلیات)، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی، چاپ دوم.
- ۱۰- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات سرایش، چاپ نهم.
- ۱۱- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸، چاپ دوم.
- ۱۲- وایت، راب و هینس، فیونا. (۱۳۸۶). درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه: میر روح الله صدیق. چاپ دوم، نشر دادگستر.
- ۱۳- ولیدی، محمد صادق. (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: نشر داد.

## ب) عربی

۱۴- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ ق) الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة ناشر مکتب الإعلام اسلامی، مرکز النشر مکان نشر قم - ایران .

۱۵- خوانساری، سیداحمد ، ۱۳۹۴ ق ، جامع المدارک، تهران، مکتبه الصدوق، اول ، ج ۶.

۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق) الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم.

۱۷- نراقی ، ملا احمد (۱۳۷۸) ، معراج السعاده ، انتشارات هجرت ، تهران.

## ج) مقالات

۱۸- توجهی و توکل پور ، عبدالعلی و محمد هادی، (۱۳۹۰) وجوه تمایز زنا و تجاوز به عنف با تاکید بر شیوه اثبات ، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی ، سال ۱۲

۱۹- صادقی محمد هادی، (۱۳۷۸) «بزه پوشی»، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ی ۲۶۷

## د) پایان نامه

۱۴- شمس ناتری ، محمدابراهیم، (۱۳۸۰) بررسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان یافته ؛ رساله ی دکتری، تهران ؛ دانشگاه تربیت مدرس

## د) قوانین و مقررات

قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰

قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

**(د) سایت‌ها**

(<http://www.khabaronline.ir>)